



حضرت آیت الله جنتی «دامت برکاته»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

بدینوسیله گزارش جلسه هفدهم و چهارم و ششم مجمع شورتی فقهی شورای محترم نگهبان مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۱۰ مشتمل بر بررسی دو نامه دیوان عدالت اداری ارائه شده به شرح ذیل تقدیم می‌گردد:

دستور اول: نامه دیوان عدالت اداری مبنی بر دادخواست جناب آقای علی محمد ظهیریان به وکالت از شرکت پارس سویج مبتنی بر ادعای خلاف شرع بودن مصوبه شماره ۳۵۵۵۷/۱۱۰۰/۸۸۲۷ مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۰ سازمان تأمین اجتماعی.

بررسی: مصوبه مورد شکایت خلاف شرع دانسته نشد.

توضیح این که اصل بیمه نمودن کارگران و کارمندان شرکتها و مؤسسات به عهده سازمان تأمین اجتماعی نهاده شده است و سازمان تأمین اجتماعی با عقد قرارداد با وزارت نیرو اجازه داده است که با بعضی سازمانهای بیمه دیگر قرارداد بسته شود و حق بیمه‌گری به آنها اعطاء شود لکن بر اساس مصوبه مورد شکایت خود سازمان تأمین اجتماعی قرارداد بیمه درمانی بستن با سازمانهای بیمه‌گر و واگذاری بیمه به آنها را در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۱ و تمدید قرارداد با ایشان را منع نموده است و توقف و منع تمدید قرارداد توسط سازمان تأمین اجتماعی با توجه به این که اصل وظیفه بیمه‌گری با تأمین اجتماعی بوده از اختیارات سازمان تأمین اجتماعی بوده و خلاف شرع نمی‌باشد. و همان گونه که در مصوبه آمده است همه کارمندان شرکت پارس سویج و مسئولین شرکت هم مجاز نیستند به سازمانهای دیگر بیمه‌گر مراجعه کنند و می‌بایست به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه نموده و خدمات درمانی را بگیرند و حقوق لازم را به سازمان پردازند و قهراً شرکت مزبور نمی‌بایست به سازمانهای دیگر مراجعه می‌کرد و به آنها مبلغی را می‌پرداخت.

دستور دوم: نامه دیوان عدالت اداری مبنی بر دادخواست سرکار خانم عاصفه اسماعیل‌پور مبتنی بر ادعای خلاف شرع بودن بخشنامه شماره ۳۷۰۹/ن مورخ ۱۳۸۱/۹/۴ و بخشنامه شماره ۹/۹۱۷۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

بررسی: بخشنامه‌های مذکور خلاف شرع دانسته نشد.

توضیح این که ظاهر این است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حق اصدار بخشنامه برای بانکها و مؤسسات زیرمجموعه خود را دارا می‌باشد و بانکها و مؤسساتی که زیر نظر بانک مرکزی عمل می‌کنند باید بر اساس نظرات و بخشنامه‌های تصویبی این بانک عمل نمایند و بر این اساس بانک مرکزی در این دو بخشنامه مورد شکایت از بانکها و مؤسسات اعتباری خواسته است که برای تضمین بازپرداخت اعتبارات و تسهیلات اعطائی خود از وثائق دیگر استفاده نموده و از راه تنظیم وکالتنامه رسمی یا وکالتنامه بلاعزل در کنار سند رهنی برای تضمین بازپرداخت آنها خودداری نمایند و این مطلب خلاف شرع نمی‌باشد و بخشنامه‌های مذکور به معنای تحریم و حرام دانستن این گونه وکالتنامه‌ها نیست تا گفته شود که این مطلب مخالف نظر علماء و اصحاب بوده و موجب تحریم حلال می‌گردد بلکه بانک مرکزی فقط از بانکها و مؤسسات اعتباری تابعه خود خواسته است که برای تضمین بازپرداخت اعتبارات و تسهیلات اعطائی، از وثائق دیگر و راههای دیگر غیر از وکالتنامه وارد گردند. و طبعاً تخلف از این دستورالعمل جائر نیست.